

۱۳۱۴۴۶۰

نگرش فلسفی - ۱۷

اثر

بیگو ناناچیوکو

ترجمه

محسن اکبری

رویدادشناسی و به شرق

نگارخانه

نشر نگاه معاد

رویکرد شوپنهاور به شرق

اثر

یوگو نانا جیوگو

ترجمه

محسن اکبری

ناشر: نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / مدیر هنری: باسم الرسام
حر جینی / صفحه آرایی: حروفچینی هما (امید سید کاظمی) / لیتوگرافی: نوید
چاپ و تصدیق: / چاپ اول: ۱۳۹۴ / شمارگان: ۱۱۰۰ / قیمت: ۶۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۴۰-۱۴-۳

کتابخانه

نشانی: مینی سیتی - شهرک - راتنی - از ۲ حایرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی
تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پُست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

سرشناسه	ولیاچیچ، چدومیل، ۱۹۱۵-۱۹۰۶ م.	Veljačić, Čedomi
عنوان و نام پدیدآور	رویکرد شوپنهاور به شرق / اثر یوگو نانا جیوگو؛ ترجمه محسن اکبری.	
مشخصات نشر	تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۴.	
مشخصات ظاهری	۱۰۸ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.	
فروست	نگرش فلسفی؛ ۱۷.	
شابک	978-964-9940-14-4	
وضعیت فهرست نویسی	فیفا.	
یادداشت	عنوان اصلی: Schopenhauer and Buddhism, ©1970.	
موضوع	شوپنهاور، آرتور، ۱۷۸۸-۱۸۶۰ م.	
موضوع	Schopenhauer, Arthur	
موضوع	بودیسم.	
شناسه افزوده	اکبری، محسن، ۱۳۶۴- ، مترجم.	
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ ۹ ر و / B۳۱۴۸	
رده بندی دیویی	۱۹۳	
شماره کتابشناسی ملی	۳۷۰۹۲۰۹	

مضامین

۷	یادداشت مترجم
۸	سپاسگزاری مرچ
۹	آرتور شوپنهاور (۱۷۹۰-۱۸۵۰)
۹	آثار
۱۱	مراجع منبع و سپاسگزاری ها
۱۳	متون بودایی و کوتاه‌نوشت‌های آنان
۱۴	رده‌بندی عددی متون شوپنهاور
۱۵	درآمد
۲۳	فصل ۱: رویکرد شوپنهاور به فلسفه هندی
۳۵	فصل ۲: [دیدگاه] شوپنهاور در باب آیین بودا
۵۵	فصل ۳: چهار حقیقت شریف
۵۵	از نخستین گفتمان بودا (Dhammacakkapavattana-Sutta)
۵۶	۱. رنج
۶۱	۲. علت رنج
۶۱	(الف) ماهیت معرفت (<i>avijjā</i>)
	(ب) زندگی به عنوان "خدمتگزاری جبری... به منظور پرداخت دین"، ارگاسترین
۶۲	(<i>kamma</i>)
۶۴	(پ) اراده به زیستن (<i>tanhā</i>)
۶۶	(ت) «سیلان بی‌انتهاء»... ماهیت ذاتی اراده (<i>anicca</i>)
۶۷	(ث) اصل تفرد (<i>anattā</i>)
۶۸	(ج) مرگ
۷۰	۳. اختتام رنج

۷۰	(الف) تنگنای دو - حدی
۷۴	(ب) بیداری
۷۵	(پ) «انفصال شناسایی از اراده‌ورزی»
۷۶	۴. «صراط نجات»
۷۶	(الف) هنر
۷۷	(ب) ریاضت‌پیشگی
۷۹	(پ) سعادت‌شناسی یا هنر زیست حکیمانه
۸۷	منش [(شخصیت)] شناسی شوپنهاور
۸۹	صل : تشابهات افزوده
۹۹	درباره نگارنده
۱۰۱	اعلام

یادداشت مترجم

مترجم همار بر آن رده و هست که در آثار خویش شیوایی و شیدایی را تا حد توان با دقت و امانت بیامیزد و به گونه تعارض، دقت و امانت را ترجیح دهد. از این رو، کثرت واژگان درون قلاب به دلیل پرمی ترجمه آزاد، انعکاس خرده تفاوت‌های معنایی، افاده توضیحات افزوده و تطبیق با آیین نگارش پارسی است. در خصوص ترجمه پیش رو، تنها یک استثناء وجود دارد و آن تخطی از عنوانی است که نگارنده برای اثر خویش برگزیده است. بدین سان و به اکراه، عنوان کتاب از *Schoenauer and Buddhism* به رویکرد شوپنهاور به شرق تغییر داده شد.

مترجم، مسئولیت صعوبت بخشی از این ترجمه را به عهده می‌گیرد؛ بخش دیگر، بازتابی است از نگارش نگارنده‌ای که انگلیسی زبان به می‌اش نیست. هرچند مترجم با معادل‌نهاد انگلیسی برخی از واژگان تخصصی شوپنهاور در زبان آلمانی توافق تام ندارد، اما این ترجمه را طبق متن انگلیسی به سامان رسانده است. پادشاه‌های مترجم با کوتاه‌نوشت «(م)» مشخص شده‌اند. اسامی کامل شهرگان فکر فرهنگ، هم‌راه با تاریخ ولادت و وفاتشان را مترجم به پانویست افزوده است. مترجم تنها در موارد فقدان را به گرمی خواهد فشرد که نقدشان تابعی از مقابله ترجمه و متن اصلی باشد.

محسن اکبری

مهر ۱۳۹۳

مراجع منبع و سپاسگزاری‌ها

W. V. R. I, and II ترجمه انگلیسی سرهنگ دوم ای. اف. جی. پین^۱، انتشارات دوور، نیویورک^۲، ۱۹۶۶ میلادی می‌شوند. برای جلد ۱، قطعه (§) و برای جلد ۲، فصل (Ch.) به شماره صفحه افزوده می‌شود.

قطعات [واگویه‌شده] از *Über den Willen in der Natur* و *Über den Satz von Grundprobleme der Ethik* به همان نحو از ترجمه سرهنگ پین از آثار مذکور واگویه می‌شوند. بنا است [این ترجمه‌ها] به زودی توسط شرکت اصبع و نشر پین کررت، لاسال، ایلینوی^۳ عرضه شوند. نگارنده و ناشران کتاب حاضر از دو ناشر سابق الذکر به خاطر اجازه مهربانانه‌شان در گنجاندن پرکشیده‌هایی از آن آثار در اینجا، سپاس‌گزارند.

همه ترجمه‌های دیگر توسط سرهنگ ای. اف. جی. پین، از دست‌نوشته‌های منتشرنشده‌اش فراهم شده‌اند. چنانچه در بالا بیان شد، دست‌نوشته‌های مقدم^۴، ارجاعات با ویراست آلمانی آثار کامل آر تور شوپنهاور^۵ [اثر] پادشاه رین^۶ که توسط آ. پیپار، مونشن^۷ ۱۹۱۲-۱۹۱۳ منتشر شد، متناظرند. چنانچه در بالا اشاره شد، در کتاب‌ها شماره نخست پس از عنوان کوتاه‌شده به ویراست اصلی شوپنهاور [و] شماره دوم ویراست دویسن که در اینجا از آن واگویه می‌شود، ارجاع می‌دهد. متن تحت ۰.۳۲ (فصل ۱۰) در باب مبنای اخلاق^۸ مرتبط با مسئله بنیادی اخلاقیات^۹، از ترجمه سرهنگ پین که توسط بابز-مرریل، ایندیاناپولیس^{۱۰}، ۱۹۶۵ منتشر شد، واگویه می‌شود.

1. Lt. Col. E. F. J. Payne

2. Dover Publications, New York

3. The Open Court Publishing Company, La Salle, Illinois

4. *Early Manuscripts*

5. *Arthur Schopenhauers Sämtliche Werke*

6. Paul Deussen

7. A. Piper, München

8. *On The Basis Of Morality*

9. *Grundprobleme der Ethik*

10. Bobbs-Merrill, Indianapolis

از سرهنگ دوم ای. اف. جی. پین سپاس ویژه به عمل می‌آید؛ نه تنها برای رضایت مهربانانه‌اش به استفاده از ترجمه‌های استادانه‌اش، بلکه برای یاری و مشاوره دوستانه‌اش و همچنین [برای] پیشنهادهای ارزشمندش در جهت بهبود صورت زبانی این کتاب - که توسط شخصی نوشته شده که انگلیسی، زبان مادری‌اش نیست.

www.ketab.ir

متن بودایی و کوتاه نوشت‌هایشان

MN	Majjhima-nikāya
DN	Dīgha-nikāya
SN	Saṃyutta-nikāya
AN	Aṅguttara-nikāya
Dhp	Dhammapada
Sn	Suttanipāta

واگویه‌ها عمدتاً از ویراست‌های سلسله ترجمه انجمن متن پالی (لندن)^۱ برگرفته شده‌اند. ویراست‌های انجمن [طبع و] نشر پالی (کاندی)^۲ نیز آزادانه استفاده شده‌اند. نگارنده برای ترجمه‌ها از دَم‌پَد^۳، ویرایش‌ها و نگارش‌های گوناگون را مد نظر داشته است. ترجمه‌ها از سوْت‌نیپات^۴ که با متون شوپنهاور^۵ ۱۸ و ۱۹ (فصل ۴) روبرویند، از ای. ام. هر^۶، کادانس‌های بافته (P.T.S. ed.)^۷ هستند.

1. Translation Series

2. London

3. Kandy

۴. *Dhammapada*: مجموعه سخنان آیه‌گون بودا که دفتر دوم کُرداکانیکای (*Khuddaka Nikāya*) است. کُرداکانیکای

بخشی از شریعت پالی آیین بودای تراوَد (Theravada) است (م).

۵. *Suttanipāta*: دفتر پنجم کُرداکانیکای (م).

6. E. M. Hare

7. *Woven Cadences*

رده‌بندی عددی متون شوپنهاور

۰.۱-۰.۳۶	متون باب آیین بودا
۱.۱-۱.۵	در باب نخستین حقیقت شریف (رنج)
۲.۱-۲.۱۴	در باب دوم حقیقت شریف (علت رنج)
۳.۱-۳.۹	در باب سومین حقیقت شریف (اختتام رنج)
۴.۱-۴.۲۱	در باب چهارمین حقیقت شریف («صراط نجات»)
۵.۱-۵.۱۸	تشابهات افزوده

درآمد

«برای مدتی مریض، سنقات، عبث و بی‌ثمری در فلسفه ترتیب داده شده است؛ زیرا آدمیان به جای آن که آب را بر طریقت هنر بجویند، بر طریقت علم جستند. از این رو، هیچ هنری به چنین ناشیگری فاش نمی‌نازد که هنر فلسفه [بدان] می‌نازد. آدمیان کوشیدند تا به جای چستی، چربی ادر گردند. آن‌ها به جای اغتمام آنچه در هر جادام دست است، برای دوردست جهد کردند. آن‌ها به جای ورود به خودشان — جایی که [در آن] هر معمایی می‌تواند حل شود — همه سو برون رفتند. ... فیلسوف نباید

هرگز فراموش کند که دارد هنر می‌پرورد و نه علم.»^۱ F. M. [1814] p. 154, § 23

یک فیلسوف جامعه‌گرای فرانسوی در ۱۷۳۹ — همان دست‌اندازی آلمان به این نقطه حساس [واقع] بر سواحل شمال شرقی اروپا که در آن زمان توسط لهستان نگه داشته شد؛ [تجاوزی که] نشانگر یک جنگ جهانی جدید شد — بانگ برآورد: «آیا باید برای دانزیک^۲ بمیریم؟»^۳

آرتور شوپنهاور، فیلسوف اروپایی و آلمانی‌ای که از اواخر قرن هجدهم به وسیع‌ترین نحو خوانده شد، به تاریخ ۱۷۸۸ در دانزیک زاده شد. دایر یک در آن زمان آزادشهری هنری آتیک^۴ بود؛ اما در ۱۷۹۳ توسط دولت آلمانی ارتش‌سالار پروس^۵ تسخیر شد. پدر شوپنهاور [که] بازرگانی متمول [بود] با درنگری آزادی به

۱. بیان بودا (A. IV, 5, 5, facing text 5.10 below) مقایسه شود.

2. Danzig 3. Faut-il mourir pour Danzig?

۴. Hanseatic؛ عضو اتحادیه هانز (فدراسیون شهرهای شمالی آلمان و ممالک همسایه در قرون میانه) (م).

5. Prussia

عنوان بهترین حافظ رونق [اقتصادی]، تصمیم گرفت کسب و کارش را به شهر همپنان مستقل [۱] هنزی آتیک هامبورک^۱ منتقل کند. آرتور، در سن نه سالگی برای دو سال به فرانسه فرستاده شد. او آنجا در لوهاور^۲ نزد خانواده دوست تجاری پدرش ماند. پدر آرتور می خواست پسرش را برای کار دوره تجارت بین الملل تعلیم دهد. اما آرتور از کودکی، ترجیحی برای تحصیل آثار کلاسیک نشان داده بود. پدر آرتور برای جلب موافقت او به ادامه دادن کسب و کار خانوادگی، یکی از دو گزینه^۳ در برابر قانونی مدرسه در انسانیات^۴ یا سفری تفریحی به سراسر اروپا و انگلستان [همراه] با والدینش برای [مدت] چند سال را در سن پانزده سالگی [فرزندش] به وی پیش نهاد. آرتور نتوانست به چنین وسوسه ای تن ندهد. اما او هرگز برای آن تأسف نخورد. زیرا در گریست که «دیدن و تجربه داشتن، درست همان قدر لازم بود که خواندن و تحصیل... منظور فراگیری انگلیسی، سفر مذکور اقامتی طولیل در ویمبلدن^۵ را شامل می شد».

اندکی بعد، در ۱۸۰۵، پدر آرتور در اوضاع [واحوالی] تراژیک مُرد و مادر آرتور - [که] نویسنده [داستان های] اخلاقی و شیفته طریق سهل زیستی [بود] - به وایمار^۶ - [که] در آن هنگام کانون فرهنگی آلمان [بود] - نقل مکان کرد. آنجا، گوته^۷ در میان دیگر ناموران، دوست خانوادگی شوپنهاور شد. گوته به بهترین وجه قادر بود تا در منش [(شخصیت)] پسر، ذره ای بوغ^۸ خالص دهد و پسر [نیز] از جانب خویش مرید مادام العمری رویکرد نافذ شاعر [(گوته)] به مسائل جدی وجود باقی ماند.

احترامی عمیق و نازدودنی به پدرش [و بی مهری هایی که در سنین مادر نسبت به پدر دیده بود]، شوپنهاور را از مادرش منزجر ساخت. وی در سنین بازستانی سال هایی که به جای [تحصیل در] دوره متوسطه قانونی در انسانیات از دست رفت، به یک دوره فشرده تحصیل مبادرت کرد و مافات را در دو سال جبران کرد. وی در سن بیست سالگی شایسته ورود به دانشگاه شد [و] برای دو سال نخست، پزشکی^۹

1. Hamburg 2. Le Havre

۳. Humanities: معارف انسانی (م.)

4. Wimbledon 5. Weimar

6. Johann Wolfgang Von Goethe (1749-1832)

7. medicine

خواند و سپس به نحو معین، تحصیل فلسفه را در دانشگاه برلین^۱ آغاز کرد. او در ۱۸۱۳ پژوهش‌نامه‌اش [تحت عنوان] در باب ریشه چهارگانه اصل دلیل کافی را به دانشگاه ینا^۲ ارائه کرد که به خاطر آن دکترای فلسفه گرفت. تز شوپنهاور، بر بازمینی سنجشگرانه نظریه مقولات در فلسفه کانت^۳ مبتنی می‌شد. مقولات دوازده‌گانه کانت (یا «مفاهیم ناب فاهمه») به تنها یک [مقوله] فروکاسته می‌شوند: علت. شوپنهاور در [نوشتار] مبسوطش [تحت عنوان] سنجشگری فلسفه کانتی^۴ در انتها: جلد نخست جهان به مثابه اراده و باز نمود به این [نکته] اشاره می‌کند که از اساس کانت از کل مسئله همچنان با شدت بسیار، مشخصاً متأثر از سنت اروپایی، اسطوره‌ای و ماسی^۵ باقی ماند و او ناتوان بود تا از ایده یک «علت اولی» در «زنجیره علل و معالیل» دست کشد؛ بلکه همچنان وسوسه می‌شد تا این ایده را در پیوند با ایده بار خدای جاودانگی نفس و آزادی اراده — به عنوان [امری] ضرورتاً فطری در همان اسطوره آدمی — درنگرد. شوپنهاور برای دفع این خطا، در عمده اثرش (W. W. R.) از حجت تاریخی فلسفه‌های هندی — به ویژه [آن حجتی] که برای آیین بودا اساسی [است] (cf. text 0.13 at 5.0 below) — علیه کانت استفاده می‌کند. این حجت همچنان در پژوهش‌نامه [دکتری وی] مفقود بود، اما ایده مبنایی یک «طلوع به هم‌وابسته» پیش‌تر به وضوح با این واژگان بیان شده بود: «هیچ چیزی به خودی خود و مستقل وجود ندارد. هیچ چیز واحد و منفصلی.» از همان آغاز، این ایده به وسعت در فلسفه شوپنهاور [و در هر یک از سطرهایی تفصیل داده می‌شود که او در آن‌ها بالمآل آن [ایده] را صراحتاً با [ایده] بودایی، همانند خواهد پنداشت.

شوپنهاور از ۱۸۱۴ تا ۱۸۱۸ در درسدن^۶ زیست؛ جایی که از عمده اثرش، جهان به مثابه اراده و باز نمود را نوشت. تا آنجا که ایده‌های مبنایی آن [اثر] به موضوع مطالعه مقایسه‌ای ما راجع به شوپنهاور از دیدگاهی بودایی مربوط‌اند، آن [ایده‌های مبنایی] در فصل ذیل [که] در باب رویکرد شوپنهاور به فلسفه هندی

1. Berlin 2. Jena 3. Immanuel Kant (1724–1804)

4. *Criticism of the Kantian Philosophy* 5. Aristotle (384–322 BC)

6. Scholasticism: منسوب به Scholasticism (م.)

7. Dresden

[است]، برجسته خواهند شد. به محضی که کتاب مذکور منتشر شد (و آن می‌بایست برای مدتی مدید ناشناخته و مغفول باقی می‌ماند)، شوپنهاور به منظور سفری تفریحی به ایتالیا رفت؛ اما پس از یک سال - به سبب مشکلات مالی غیر منتظره با شرکتی که رأس المال موروثی‌اش در آن سرمایه‌گذاری شده بود - می‌بایست به خانه بازگردد. و اسفاً اگر او متحمل زیانی معتدبه، و لذا ناتوان می‌شد که همچو نگارنده‌ای آزادکار بزیید. او تصمیم گرفت تا سمت درسگو را در دانشگاه برلین به خود اختصاص دهد. بحران مالی او عن‌قریب به نفعش تمام شد. اما کاردوره درسگویی وی شک‌تی تا زمان کارآمد؛ زیرا او نسنجیده کوشید تا با هگل^۱ - که در آن زمان به عنوان «المسوف دولت» در اوج کاردوره [فلسفی]‌اش در برلین بود - درافتد.

پس از سفری دوم به ایتالیا، شوپنهاور به برلین - [یعنی به] شهر تلخ‌ترین تجاربش - بازگشت و تا ۱۸۰۱ آنجا ماند. او سپس به سبب همه‌گیری وبا - که هگل یکی از قربانیانش بود - برلین را برای همیشه ترک گفت. وی در ۱۸۳۳، سرانجام در فرانکفورت آم ماین رحل اقامت افکند؛ جایی که - با به‌تنهایی زیستن «همچو یک معتکف» و با وقف الباقی عمرش به تدبیرات فلسفی و نگارش - تا [به] گاه [مرگش در ۱۸۶۰، در آن] باقی ماند.

او در ۱۸۴۴، جلد دوم جهان به مثابه ایده باز نمود را منتشر کرد. این [کار] تنها پانزده سال بعد در سومین ویراست اثر تامر تمام در تمام [ا]ه را به آوازه‌ای رساند که حقاً مستحق [اش] بود. در این اثناء، ظهور دو جلد مقالات ادبی، تحت عنوان [پاررگا و پارالیپومنا در ۱۸۱۵، سرآغاز علاقه‌ای وسیع‌تر به فلسفه ریاضی میان شماری فزاینده از خوانندگان هوشمند و نامتعصب را مشخص کرد که اگرشان فیلسوفان حرفه‌ای نبودند. هنرمندان برجسته همواره اغلب قدردان [تأثیر] ایده‌های وی بر رهایش روحانی از قبل هنر و بر هنر زیستن، بودند.

هرچند او در فرانکفورت تقریباً سی سال را همچو مردی مرفه در خانه‌اش گذراند، [اما] اتاق‌هایش همواره به دیدارگران انطباع اقامتگاه موقتی یک رهنورد را می‌داد و هرچند در سال‌های متأخر [زندگی] وی حلقه دوستان و پیروانش شروع به رشد کرد،

[اما] سگش، پودلی^۱ که آتما^۲ — (نیروی غیر شخصی او) ازلی ابداً متجدد طبیعت در انگاشت شوپنهاور؛ به معنایی که چنان به زیبایی در تشبیهش از سمسار^۳ به عنوان یک آبشار توصیف می‌شود (see texts 5.6–5.7. ch. iv, below) — نامیده شده بود، بهترین دوستش باقی ماند.

ویژگی فضای ساده کاشانه شوپنهاور یک تندیس زراندود کوچک بود^۴ در میان چندین شیء بود. هنگامی که مستخدمه وی (پیردختری کاتولیک^۵ [و] وفادار) برای نخستین بار آن [تندیس] را دید با حیرت پرسید که آن چیست. شوپنهاور گفت: «شخص روزمندانه بیدار شده است.»

مستخامه، با کسی که بجاکو به بدن حالت چهارزانوی نامألوف وی و مودری انگشتانش [که] لهم این آموزه دم^۶ [است]، پاسخ داد: «هوم! شخص پیرمندانه بیدار شده ات تقریباً همچو ناقوسی کوچک می‌نماید.» متأسفانه، معرفی شوپنهاور به خوانندگان بودایی، امروزه در وهله نخست پاسخی به «سرزنش بدبینی»^۷ را می‌صدد. این نمونه اعتراض همان اندازه نابجا و گمراه‌کننده است که سطحی و مبتذل. اما این اعتراض [به فراموشی] رلی استاندارد [بدل] شده که به نحو دفاعی توسط برخی نگارندگان بودایی مدعی — که مستقیماً با اندیشه شوپنهاور و با دامنه الهام بودایی‌اش آشنا نیستند — به کار بسته می‌شود. آن‌ها بیان می‌دارند که شوپنهاور به عنوان یک اندیشمند «بدبین»^۸، دگ^۹ یا حقیقت شریف رنج را فهمید، اما به آموزه بودا، در حد کامل و مقتضی‌اش جاهل بود. [آن بیان می‌دارند] که شوپنهاور شایسته نبود تا پیرامون علت رنج، سؤال پرسد؛ [شایسته نبود] تا به وال‌زمایی پیرامون امکان یک برون‌رفتگاه یا چاره‌ای برای مسئله بدبینانه خویش سخن گوید. این اقرار در

۱. Poodle: نوعی سگ پُرمو (م).

۲. Atma: (Atman) نفس کلی؛ خود عالی؛ نفس جزئی‌ای که پس از وارستگی، با برهمن (Brahman) یکی شود (م).
۳. samsāra: چرخه بازپیدایی (م).

4. Buddha (563–483 BC)

۵. Catholic: منسوب به Catholicism (م).

۶. Mudra: حالت نمادین بدن، به ویژه دستان و انگشتان در آیین‌های هندو و بودا (م).

۷. Dhamma: آموزه بودا به عنوان شرحی از قانون طبیعی که بر مسئله رنج انسان اعمال می‌شود (م).

8. pessimism

۹. Dukkha: دومین نشانه از سه نشانه وجود در آیین بودا و موضوع چهار حقیقت شریف که اغلب، «رنج» ترجمه می‌شود (م).

اصطلاحات غیر فنی او] ساده، به شوپنهاور امتیاز ایستادن در سطحی از هوش^۱، درست فوق سطح یک ابله - تا آنجا که او قادر بود به مسئله خودش پی برد - و نه [امتیاز] پرس و جو پیرامون ادله آن یا حتی [امتیاز] کمک جستن را عطا می کند. ملاک گزینش حاضر - [یعنی] تحلیل فلسفی شوپنهاور راجع به مسائل اساسی ای که به کل چهار حقیقت شریف راجع اند؛ [چهار حقیقتی] که آموزه بودا بر فهم آن مبتنی می شود - عمدتاً به منظور دفع چنین پیش داوری هایی پیرامون معنای دقیق او درخور اصطلاح «بدبینی» در فلسفه آرتور شوپنهاور («پدر بدبینی») اتخاذ شده است. فصلی که شامل ارجاعات مستقیم شوپنهاور به آیین بودا است این استناد را مقدم می دارد.

خواننده، از این متون، با واژگان خود شوپنهاور خواهد آموخت که دیدگاه بدبینی وی از چه پدر درون چه حدود، از ساختار اندرباش [(درون مان)] جهان استنتاج می شود (چنین نه آن ملی الانحصار به «جهانیت جهان» یا به ماهیت سمساز ارجاع می دهد. این اصطلاح برایش، از سوی شوپنهاور به صراحت در استنتاجش از این ایده مبنایی اقتباس شده که بدبینی در این ارتباط برای واداشت ذهن انسان بر طریقت آزادسازی - به معنای مستقیم^۲ و لغوی اصطلاح نیبان^۳ به عنوان انعدام و نه به عنوان یک «قلمرو» سعادت^۴ الهی» برای پست لذت پرست - انگیزه ناگزیر است؛ زیرا به خاطرش، نظریه متضاد «خوش بینی»^۵ بیش تر از سوی فیلسوف درباری اروپا (لایب نیتس^۶) ابداع و معرفی شده بود. همچنین به دلایلی شوپنهاور این بود که از مسیحیت^۷ [اصیل و] واقعی در مقابل چنان دروغ پردانه های خوش بینانه ای که حتی در آن هنگام برای تمدن اروپایی مضر بودند، دفاع کند. [این] که آماده است به طعمه ای برای ماده باوری^۸ بدل شود.

با ارجاع به معنای دقیق او درخور اصطلاح بدبینی، توجه خواننده، خصوصاً به متون ذیل جلب می شود:

● ۱.۴ متن مبنایی برای ابطال فلسفه خوش بینانه لایب نیتس. همچنین، بنگرید به ۳.۲.

1. intelligence

۲. Nibbāna: معادل پالی نیروان (Nirvana, Nirvāṇa) در سنسکرت (م).

3. Gottfried Wilhelm Leibniz (1640/1646-1716)

4. Christianity

5. materialism

● ۴.۱۶ بُعد آموزشی [-پرورشی] مسئله.

● ۴.۱۶ تفسیر شوپنهاور در [قالب] اصطلاحات بودایی از نگره بدبینانه به

جهان به مثابه سمسار [و] شرط لازم برای تحقق نیان.

در ارتباط با موضوع مقایسه‌ای این مقاله، شاید مفید باشد به سبب چنین پیش‌داوری‌های تاریخی ریشه‌داری علیه اصول مبنایی فلسفه شوپنهاور، در عین حال، به خطری دیگر اشاره شود که به عنوان نتیجه‌ای از برخی منابع منفی و سطحی «اطلاعات عام» در امور مذکور، از همان ابتداء به کژفهمی «اندیشه واحد»^۱ی انجامید. چنین پیش‌داوری‌هایی با ارجاع مستقیم به شوپنهاور، از اندیشه واقعی^۲ی^۳ منگونی‌ترند. این [امر]، به معنای اصطلاح مبنایی اراده در فلسفه شوپنهاور از غرض می‌دهد.

عن‌قریب در آغاز فصلی که در باب رنج است، از متن ۱.۱ ما نمودار می‌شود که با این اصطلاح خاص^۴ «اراده به زیستن» قصد می‌شود و آن، اینجا و دیگر جا به عنوان «عطشی سیری‌ناپذیر»^۵ به «بنایش نیاز، خواست، و لذا درد است»، هویت‌شناسی و تشریح می‌شود. در اساسی غرض حاضر ما، این‌همانی معنا با اصطلاح بودایی متناظر برای «عطش» یا «تپ و تاب»^۶ — *tanhā* — به هیچ تصدیق بیش‌تری نیاز ندارد. کاملاً از متون شوپنهاور در باب موضوع مذکور (e.g. 4.3. Ch. III) هویدا خواهد شد که آن سلب «اراده به زیستن» شوپنهاور، ابتداً به فرمان [وی در خصوص] آرمان مرتاضانه «کوشش شایسته» (*śamānta-vāmo*)^۷ بر طریقت هشتگانه [و] شریف بودا لطمه نمی‌زند.

غرض از گزینش حاضر باید اراده یک سیما^۸ از فلسفه شوپنهاور در بررسی عرضی از قبل آثار وی باشد. هیچ تحلیل تفاوت‌گذارانه صریح ایده‌ها نیست در این چارچوب مستند [و] مسلم^۹ — یا با نظر به تحدید عناصر بودایی اندیشه در نظام شوپنهاور از آن [عناصری] که به الهام و دانست^{۱۰}ای^{۱۱} (متقدم‌تر) وی نزدیک‌ترند ([یعنی] از اوپانیاشادها^{۱۲})، یا با ارجاع به تحدیدی بین طرق هندی و اروپایی اندیشه

1. profile 2. prima facie

۳. Vedantic: منسوب به ودانت (Vedanta): فلسفه‌ای هندو که بر اصول نظری اوپانیاشادها ابتناء دارد (م).

۴. Upanishads: هریک از سلسله رسائل عرفانی آیین هندو که در عهد باستان، به زبان سنسکریت و در تفسیر

وداها (Vedas) نگارش یافتند (م).

به نحو عام یا حتی در مورد خاص مشقات مقایسه‌گرانه [و] قابل ملاحظه خود شوپنهاور در جهت همسنگ کردن هردوای آن‌ها] در یک کل فراگیر – تقبل شود. تشریح درآمدی در باب بالش رویکرد شوپنهاور به فلسفه هندی، عمدتاً در صدد است تا در سراسر آثار وی [نوعی] سوگیری تاریخی را گره‌گشایی کند.

www.ketab.ir